

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Tourism and Semantic Therapy in the Philosophy of Existentialism
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

گردشگری و معنادرمانی در فلسفه اگزیستانسیالیسم

مهرنوش بسته‌نگار^{۱*}، رضوان قمری^۲

۱. استادیار پژوهشکده توسعه تکنولوژی جهاددانشگاهی صنعتی شریف، دکتری مدیریت گردشگری، تهران، ایران.

۲. کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی توسعه جهانگردی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۴

چکیده

بیان مسئله: تجربه زیسته انسان نشان می‌دهد که آدمی سخت نیازمند معناست، چیزی که او را به «بودن» پیوند دهد. اما بر مبنای فلسفه اگزیستانسیالیسم، هستی هیچ بر نامه و نقشه از پیش طراحی شده‌ای ندارد. مطابق این فلسفه چالش اصلی این است که چگونه می‌توان در جهانی بی‌معنا، معنایی آفرید. برخی فیلسوفان اگزیستانسیالیست نیز مانند کامو و سارتر بر این باورند که آدمی باید خود معنای زندگی خود را بیافریند و آن را دریابد نه آنکه معنایی را که خدا یا طبیعت برایش تعیین کرده‌اند، کشف کند. بعد از این آفرینش است که او خود را وقف تحقق آن معنا می‌کند تا احساس خسران و حسرت از گذر عمرش را فرو بکاهد. به نظر می‌رسد گردشگری فعالیتی است که می‌تواند ضمن مفرح و آموزنده بودن، نقش معنابخشی به زندگی را هم ایفا کند.

هدف پژوهش: از آنجا که در کشور ما مفهوم پردازی به خصوص در حوزه علوم انسانی و اجتماعی ضرورتی غیر قابل تردید است و با توجه به اینکه در رشته گردشگری، این مهم با رکود و کم‌توجهی مواجه است و اغلب پژوهش‌ها در این حوزه معطوف به بازآزمایی مفاهیم و نظریه‌های موجود و طبیعتاً فاقد مفاهیم و نظریات جدید است، هدف از این پژوهش آفرینش دانش و مفهوم پردازی بین‌رشته‌ای در موضوع مورد مطالعه بوده است تا نشان دهد انواع مختلف گردشگری در معنادرمانی انسان امروز چه سهمی دارند.

روش پژوهش: این مطالعه پژوهشی میان‌رشته‌ای و کیفی از نوع پدیدارشناسانه تفسیری است که با انجام مطالعات کتابخانه‌ای و با انجام مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختارمند به انجام رسیده است.

نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش بیانگر این است که می‌توان مفاهیم میان‌رشته‌ای در دو رشته علمی و دو گفتمان تخصصی «گردشگری» و «روان‌درمانی» کشف کرد و به گستره متفاوتی از شناخت و دانش دست یافت. نتایج پژوهش بیانگر این است که «تجربه‌اندوزی و دنیادیدگی» که یکی از شیوه‌های معنابخشی به زندگی است، بالاترین رتبه را در انواع متفاوت گردشگری به خود اختصاص داده و بعد از آن «لذت‌گرایی» و «خودشکوفایی» در رتبه‌های دوم و سوم معنادرمانی در انواع گردشگری هستند. همچنین «گردشگری عام‌المنفعه» پتانسیل ایجاد بیشترین شیوه‌های معنابخشی را در بردارد و بعد از آن «گردشگری اجتماع محور»، «گردشگری دیدار از دوستان و آشنایان» و «گردشگری قومی/عشایری» در مرتبه بعدی طبقه‌بندی می‌شوند.

واژگان کلیدی: معنای زندگی، فلسفه اگزیستانسیالیسم، گردشگری ترابی، معنادرمانی، گونه‌های گردشگری.

مقدمه

به صلیبی‌گری (جهادی‌گری) می‌انجامد یا در سوی دیگر طیف هیچ‌انگاری و گیاه‌واری را در پی دارد. سالواتوره مدی^۱ اشکال حاد بالینی از بی‌معنایی فراگیر را چنین توصیف می‌کند که در یک سوی طیف میل قدرتمند به فداکردن خویش است تا فرد بتواند همواره از پوچی‌ای که تعقیبش می‌کند، یک گام جلوتر باشد و در سوی دیگر یأس عمیق که انرژی فرد را در خود فرو

آدمی در این هستی موجودی خودآگاه است که ناگزیر از کشف یا خلق معنا برای زندگی خویش است و در غیاب آن دچار آشفتگی و پریشانی می‌شود که در شکل حاد آن به صورت روان‌نژندی بروز می‌یابد؛ آن‌چنان که در دو حد مرزی یا

* نویسنده مسئول: mnegar51@gmail.com، ۰۹۱۹۵۱۵۹۳۳۳۰

و پارادایم‌های نوین آن می‌تواند این نقش‌ترایی و معنادرمانی را بردوش کشد. پژوهش حاضر مدخلی است بر این مفهوم‌سازی بین‌رشته‌ای تا روان‌درمانگران و فلاسفه‌اگرستانسیالیست را نیز با خود همراه سازد.

هدف پژوهش

این مقاله قصد دارد تا با واکاوی معنای زندگی در فلسفه‌اگرستانسیال نشان دهد که انواع مختلف گردشگری در معنادرمانی انسان امروز چه سهمی دارند.

پرسش اصلی

گونه‌های گردشگری در کدام شیوه معنادرمانی می‌تواند ایفای نقش کند؟

پرسش‌های فرعی

فعالیت‌های معنابخش به زندگی در فلسفه اصالت وجود (اگرستانسیالیسم) کدام فعالیت‌ها هستند؟

گونه‌های گردشگری با توجه به انگیزه و هدف گردشگر، کدامند؟ کدام فعالیت‌های «معنادرمانی» در انواع گردشگری تبلور بیشتری دارند؟

روش پژوهش

این مطالعه پژوهشی کیفی و از نوع پدیدارشناسی تفسیری است که پژوهشگر در فرایند پژوهش به تفسیر معنای تجارب زیسته افراد می‌پردازد. در این رویکرد چرخه‌هرمنوتیکی وجود دارد به طوری که میان پژوهشگر و مشارکت‌کننده برای فهم بیشتر در مورد یک پدیده تعامل و جریان رفت و برگشت آگاهی وجود دارد. پدیدارشناسی تفسیری نه در پی شرح و کشف علل که در جستجوی واضح‌سازی «مفاهیم» است و آنچه اهمیت دارد فهم جوهره یک پدیده در نزد گروهی از افراد است و نه اندازه‌گیری آن (پرووی، ۱۳۹۸). لذا محققان برای یافتن پاسخ پرسش اصلی و پرسش‌های فرعی تحقیق، با توجه به میان‌رشته‌ای بودن آن تلاش کرده‌اند تا مطابق مدل مفهومی ارائه‌شده در تصویر ۱ نشان دهند که گردشگری چگونه می‌تواند به زندگی انسان امروزی معنا بخشد و ارتباط مفهومی میان این دو مقوله هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه برقرار شود.

به این منظور نخست به مطالعات کتابخانه‌ای در دو گفتمان ورشته تخصصی «گردشگری» و «معنادرمانی اگزیستانسیال» پرداخته شد. که ماحصل آن در گفتمان فلسفه‌اگزیستانسیال، ده شیوه معنادرمانی و در گفتمان گردشگری، استخراج انواع گردشگری و نهایتاً گزینش برخی از انواع گردشگری بود که مرتبط با انگیزه گردشگر و هم‌سو با پارادایم‌های نوین گردشگری است. سپس با مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختارمند با خبرگانی که در دو

می‌ریزد. او در این حالت با در پیش گرفتن زندگی گیاهوار با خشم و افسردگی معنایی که توسط دیگران پذیرفته شده را به چالش می‌کشد (Maddi, 2013).

نگرش اگزیستانسیال درک ابزوردی^۲ جهان است و این درک و آگاهی وجه تمایز روان‌نژندی و سلامت روان است که به قیام علیه پوچی می‌انجامد. منشی شجاعانه و سرافرازانه در برابر پوچی که با انکار پوچی متفاوت است. لازم به توضیح است که برخی اندیشمندان معتقدند معناداری یا پوچی زندگی ارتباطی به اعتقاد به وجود یا عدم وجود خدا ندارد، زیرا لزومی ندارد خداوند بسان آدمیان نیازمند هدف و معنا باشد. این انسان‌ها هستند که بر مبنای معنای زندگی، نظام ارزشی برمی‌سازند و زندگی خود را به آن استوار می‌کنند. نکته قابل ملاحظه دیگر این است که برخلاف تصور، مرگ رنگ پوچی به زندگی نمی‌زند، بلکه ارزش زندگی را یادآور می‌شود. همچنین نامیرایی ملال‌انگیز است و ملال هم از خانواده پوچی است. در واقع می‌توان گفت آنکه زندگی را به تمامه زیسته و تجربه یک زندگی اصیل را با خود دارد، مواجهه با مرگ را ناخوشایند نمی‌شمرد.

در زندگی فعالیت‌هایی هستند که حس معناخواهی انسان را ارضا می‌کنند، معناآفرین هستند و نه تنها احساس حسرت و خسران از گذر عمر را کاهش می‌دهند، که با نوعی عصیان و قیام علیه پوچی، به قول کامو^۳، باطل‌السحر طلسم پوچی هستند. در این مقاله نگارندگان کوشیده‌اند ضمن شناسایی این فعالیت‌ها، بیابند که گردشگری به عنوان یک نظام معرفت‌افزایی و معنابخشی چه جایگاهی می‌تواند در این معنادرمانی برای انسان امروز داشته باشد. گردشگری شاید نظامی است که ابزوردی جهان را به محاق می‌فرستد دقیقاً مانند زمان‌هایی که ماه در محاق آسمان است. هست اما دیده نمی‌شود.

ضرورت پژوهش

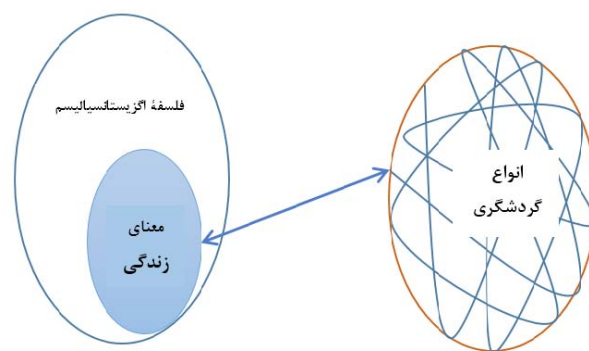
در گذشته بخشی از فعالیت‌های روزانه مردم در تعامل بی‌واسطه با طبیعت قرار داشت و آن‌ها خود را به صورت جزئی از نظام طبیعت درک و دریافت می‌کردند مثل رویاندن گندم از زمین یا کمک به تولد بره گوسفند و ... این فعالیت‌ها نقش معنابخشی داشتند. اما در دنیای امروز نه تنها فعالیت‌های روزمره از بافتار طبیعت فاصله گرفته که پیشرفت دانش هم از هستی‌رازشایی کرده است. افزایش رفاه نسبی و ایجاد وقت آزاد بیشتر که به مدد تکنولوژی حاصل شده، هر دو مزید بر علت شده و موقعیت ابزورد را بیشتر نمایان می‌کنند. در چنین دنیایی آدمی در پی یافتن معناست که اگر هست آن را بیابد و اگر نیست آن را بیافریند. لذا خلق و جعل معنای شخصی منفک از معنای کیهانی ضرورتی است که پیوسته بر اهمیت آن افزوده می‌شود. انسان امروز در جستجوی راه‌گشایی است تا با عصیان علیه پوچی، زندگی بی‌تکرار اصیلی را تجربه کند. به نظر نگارندگان گردشگری خصوصاً در تعاریف

نقشه‌ای خارج و برتر از فرد) و دیگری معنای فردی. آنکه به معنای کیهانی برای هستی باور دارد می‌کوشد تا معنای زندگی خود را هم در هماهنگ شدن با آن معنای کیهانی بیابد. خدا باوران خدا را کمال مطلق می‌دانند و معنای زندگی را در تلاش برای رسیدن به کمال تعریف می‌کنند. ارسطو و سنت خردگرایی که با او آغاز شد از میان اشکال گوناگون کمال (مالکیت مادی، جسمانی، اخلاقی، عقلی) کمال خردمندانه را غایت انسان می‌داند چرا که باور دارد «خدا خود اندیشه است». خدا باوران معنای زندگی را در ارتباط تنگاتنگ با معنای کیهانی و در ایفای نقشی که خدا بر عهده انسان نهاده، معنا می‌کنند. اما فلسفه اگزیستانسیالیسم این معنای قدسی را مورد تردید قرار می‌دهد و معتقد است پی بردن به پوچی هستی منجر به بیداری می‌شود و با آگاهی رابطه مستقیم دارد (یالوم، ۱۳۹۰).

کامو از گرفتاری موجودی متعالی و جویای معنا در یک جهان فاقد معنا می‌گوید و سارتر بیان می‌کند که هیچ معنای قطعی و مطلقی در میان نیست، انسان در این جهان تنهاست و خود باید معنای زندگی خود را بیابد. وقتی که آدمی نتواند معنای شخصی برای خویش بیابد، چیزی شبیه به آن می‌سازد. کانون‌های کاذبی که جانشین معنا می‌شوند و به زندگی جهت می‌دهند، ارزش‌ها و مرزهای اخلاق را تعیین می‌کنند. این طرح‌واره‌های معنایی غیرمتعالی (مانند ثروت، شهرت، موفقیت، انتقام، پدر یا مادری کردن و ...)، وقتی محقق می‌شوند، می‌شکنند و دوباره انسان را با پوچی مواجه می‌کنند.

برای رویارویی با موقعیت ابزورد، باید زیست اصیل را تجربه کرد. روح زیست اصیل «حضور» است و کالبد آن روابط انسانی، مسئولیت‌پذیری، کاهش رنج خود و دیگران، غنابخشیدن به زندگی و ... انسان فقط لحظاتی را به تمامی حس می‌کند که در آن حضور دارد. در فلسفه اگزیستانسیالیسم توجه به وجود و زیستن در لحظه اکنون اصالت دارد. باید هم در لحظه زندگی کرد، هم لحظه را زندگی کرد (همان).

در جدول ۲ معنای زندگی از دیدگاه فیلسوفان و روان‌درمانگران اگزیستانسیالیسم ارائه شده است: نوع دوستی، آرمان خواهی، خلاقیت، خودشکوفایی، از خود برگزیدن و تعلق فعالیت‌های ارض‌کننده حس معنا خواهی هستند. خلاقیت، تجربه و دنیادیدگی، و منش رنج هم به طور خاص مد نظر اروین یالوم^۷ است. البته یالوم در نهایت معتقد است که معنا خواهی و جستجوی معنا هم خود دامی است برای زیستی اصیل. معنا خواهی پارادایم همیشگی زندگی آدمی نبوده و از جمله آموزه‌های نوین دنیای مدرن است. آموزه‌هایی چون بهره‌بردن از عمر، پیشرفت، هدف داشتن و برای آن سخت کوشیدن و ... یالوم تا جایی پیش می‌رود که مخاطب می‌اندیشد که معنا خواهی ورود به مرز روان‌نژندی است. بدیل یالوم «دل دادن» است؛ دل دادن به اجزای زندگی، دلدادگی به تمام شئون که برای هر کس با توجه به بافت زندگی‌اش قابل تعریف است. او بیان می‌کند که اگر می‌خواهید حسرت زندگی را نخورید باید به زندگی دل بدهید (همان).



تصویر ۱. مدل مفهومی پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

گفتمان «گردشگری» و «فلسفه اگزیستانسیالیسم» تسلط و تبحر داشتند، تلاش شد تا ماتریسی که ردیف‌های آن انواع گردشگری و ستون‌های آن شیوه‌های معنا بخشی به زندگی است در یک تعامل دو سویه تکمیل شود. ماتریس نهایی هم که حاصل اجماع نظرات بود مجدداً به تأیید نهایی خبرگان رسید. تیپ‌شناسی خبرگان مورد مشورت با توجه به بدیع بودن موضوع و وجود تعداد انگشت‌شمار متخصص در این حوزه میان‌رشته‌ای مطابق جدول ۱ است.

مبانی نظری پژوهش

به منظور بررسی مبانی نظری پژوهش در دو گفتمان و تخصص مورد مطالعه، در ادامه «معنای زندگی در فلسفه اگزیستانسیالیسم» و با توجه به آثار فیلسوفان و روان‌درمانگران این حوزه و «انواع گردشگری» با توجه به انواع طبقه‌بندی‌های ارائه شده در این رشته، به صورت مشروح و مبسوط مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

• معنای زندگی در فلسفه اگزیستانسیالیسم

فرانکل^۴ بحران معنا را اساسی‌ترین فشار روانی اگزیستانسیالیسم برمی‌شمرد و بنجامین ولمن^۵ هم «ناکامی در یافتن معنای زندگی، این احساس که فرد چیزی ندارد که به خاطرش زندگی کند و برایش بجننگد» را مسئله انسان امروز می‌داند. چالش اینجاست که دو موضوع که هر دو برای آدمی حقیقت دارند با هم در تعارض قرار می‌گیرند. موضوع نخست این است که آدمی نیازمند معناست. مغز انسان تمایل دارد در دل بی‌نظمی، نظم پیدا کند، رویدادهای بی‌ربط را سلسله معنادار ببیند، ناتمامی، مغز را دچار تنش می‌کند، انسان میل دارد ناشناخته‌ها را به سمت شناخته‌ها و به فرجام برساند. از سوی دیگر فلسفه اگزیستانسیالیسم باور دارد که دنیا فاقد معناست. در این فلسفه کامو اولین کسی بود که ابزوردی عریان جهان را فریاد زد و به دنبال برون‌رفت از این پوچی بود. انسان جویای معنا و جهان‌عاری از معناست و این معضل بنیادی است که با انسان امروز دست به گریبان است. آگاهی از ابزوردی جهان در نهاد همه ما وجود دارد و اگر اجازه دهیم حس سرمای جهان ابزورد بر ما غلبه کند دچار حس پوچی می‌شویم. به بیان دیگر پوچی ناتوانی در یافتن چرایی زندگی است و حس پوچی با رفاه، رهایی و آگاهی رابطه مستقیم دارد. پرسش از معنای زندگی دو وجه دارد یکی معنای کیهانی (وجود

جدول ۱. تیپ‌شناسی خبرگان مورد مشورت. مأخذ: نگارندگان.

مجموع	تحصیلات		شغل		تخصص مشارکت‌کنندگان پژوهش	
	ارشد	دکتری	روان‌درمانگر	استاد دانشگاه	زمینه مطالعاتی	تحصیلات
۶	۱	۲	۱	۳	فلسفه‌اگزیستانسیالیسم	فلسفه
		۳	-	۳	گردشگری تراپی - گردشگری و معنویت	گردشگری

جدول ۲. معنای زندگی در فلسفه اصالت وجود. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	معنای زندگی	شرح و توضیح
۱	معنای کیهانی	قائل بودن به یک نظم و نظام برآمده از حکمت که بر کل کائنات حاکم است. در کل تاریخ این باور (معنای کیهانی) در تمامی ادیان زمینی و آسمانی باعث آرامش انسان بوده و میان او و پوچی هستی، حائل شده است. انسان با هماهنگ‌شدن با معنای هستی به ایفای نقشی که هستی به او سپرده می‌پردازد. در واقع معنای کیهانی به چرایی جواب می‌دهد و از دل چرایی چگونه زیستن استخراج می‌شود. البته این معنا با فلسفه‌اگزیستانسیالیسم تطابق ندارد و ذکر آن در اینجا به دلیل نقش رقابتی آن است.
۲	نوع دوستی	دوست‌داشتن در وهله اول یک حس است، نوع دوستی هم حتی در حد یک حس می‌تواند آدمی را در برابر پوچی هستی قدرتمند کند. کسی که در جهان ابزورد تلاش می‌کند مشکل و گرفتاری دیگران را حل کند و رنج آن‌ها را کاهش دهد، خود احساس ثمربخش بودن و مفیدبودن می‌کند.
۳	آرمان خواهی	تلاش برای ایجاد چیزی عظیم‌تر از خود؛ پیوستن به یک کل آرمان‌خواهانه، احساس تعلق به چیزهایی فراتر از خود؛ عضویت در انجمن‌ها، حتی خانواده، ایل و قبیله و ... (ویل دورانت) ^۸
۴	لذت‌گرایی ^۹	هدونیسیم یا لذت‌گرایی (شادخواری و شادی‌جویی) مرزهای گسترده‌ای دارد که حتی بسیاری از امور معنابخش بالغانه را هم در خود جای می‌دهد. انسان برای زندگی یک فرصت دارد و بهتر است این فرصت را صرف انجام امور لذت‌بخش کند. لذت‌گرایی یک طیف است. دو سر دارد با هزاران حالت در بین آن دو، از لذات کاملاً جسمانی و زودگذر گرفته تا لذت‌های معنوی و فضیلت‌محور و عمیق و دیرپا.
۵	خلاقیات	خلاقیات، چیزی را از عدم خلق کردن و خدایی کردن نیروی قدرتمندی است در برابر پوچ‌انگاری هستی. مرزهای خلاقیات بسیار وسیع است. هر کار نویی در زندگی که پیش از آن نبوده و ما خلقت کرده‌ایم نامش خلاقیات است. خلاقیات را باید در یافت زندگی معنا کرد. خلاقیات با لذت‌گرایی و هنر هم همپوشانی دارد. عالی‌ترین وجهه خلاقیات در هنر تجلی پیدا می‌کند. از نیچه ^{۱۰} نقل است که: «گر هنر نبود حقیقت هلاکمان کرده بود». در واقع خلاقیات از یافت زندگی استخراج می‌شود ولی بعد انعکاسی از خود در آینده خلاقیات هویدا می‌شود؛ خلاقیات آینده روح می‌شود و انسان را به خودشناسی می‌رساند (در هنر این امر خیلی مشهود است).
۶	خودشکوفایی ^{۱۱}	رسیدن به خود حقیقی، آخرین مرحله از سلسله نیازهای هرم مازلو ^{۱۲} . بشو آنکه هستی؛ تمام روزهای عمر چیزی برای کشف دارد. محقق ساختن حداکثر توانایی‌های بالقوه فرد توسط خودش.
۷	از خود برگزیدن ^{۱۳}	از خود برگزیدن یا خودتعالی بخشی پس از خودشکوفایی رخ می‌دهد. وقتی ظرفیت خود را شکوفا کردی از خود چشم برداری و به انسانیت و اجتماع نگاه کنی. در خودشکوفایی متوقف‌نشدن و هدفی بیرون از خود را نشانه رفتن. به عنوان مثال شرط حضور در رابطه عاشقانه اصیل، رسیدن به خودشکوفایی است اما شرط بقا در این رابطه توجه به طرف مقابل و کمک به خودشکوفایی اوست و این یعنی از خود برگزیدن.
۸	هویت/ تعلق	متعلق به جایی بودن؛ به فرهنگی، به خانه‌ای؛ هویت‌یافتن. حس تعلق پیدا کردن؛ چون درختی در میان جنگل (سارتر). حافظ: چرا نه در پی عزم دیار خود باشم/ چرا نه خاک سر کوی یار خود باشم/ غم غربی و غربت جو بر نمی‌تابم/ به شهر خود روم و شهریار خود باشم
۹	تجربه/ جهان‌دیدگی	تجربه کردن و جهان‌دیده‌شدن زندگی را غنی می‌کند و جا را برای حسرت تنگ (حسرت این‌که چه می‌توانستم باشم). اصالت با تجربه کردن است نه تجربه‌ای که می‌کنیم به قول آندره ژید ^{۱۴} بگذار عظمت در نگاه تو باشد نه در آنچه بدان می‌نگری.
۱۰	منش رنج	منش چگونگی حضور ما در موقعیت‌هاست و منش هر کسی در مواجهه با رنج‌ها از او چیزی می‌سازد که من حقیقی او را شکل می‌دهد. انسان در مواجهه با رنج‌ها اختیار حداقلی دارد ولی در منش مواجهه با رنج اختیار حداکثری. منش اصیل در مواجهه با رنج‌ها (مرگ عزیز/ فقر/ خیانت/ شکست/ بی‌وفایی/ بیماری و ...) ما را غنی می‌کند چنان که یارای قیام علیه ابزوردی جهان را پیدا می‌کنیم. به عبارتی خلق معنا از رنج.
۱۱	دلدادگی ^{۱۵}	اصالت تنها با بودن است. زندگی کردن در لحظه؛ پرهیز از کشتی گرفتن با زندگی؛ به جای ارضاء معناخواهی بهتر است آدمی دندان معناخواهی خود را بکشد، کار ما نیست شناسایی راز گل سرخ/ کار ما این است که در افسون گل سرخ شناور باشیم (سهراب سپهری). اسم رمز اصیل‌زیستن دل‌دادن به زندگی است. با زندگی دلدادگی کردن، نامزدی کردن.

• گونه‌های گردشگری

اهمیت بالایی بر خوردار است و بدیهی است فعالان و ذی‌نفعان صنعت گردشگری نمی‌توانند در همه انواع و شاخه‌های آن فعالیت کنند. گردشگری را بر اساس شاخص‌هایی چون: انگیزه گردشگران، هدف سفر، مقصد، زمان سفر، مدت ماندگاری، وسیله سفر، امکانات سرمایه‌گذاری شده در مقصد، میزان هزینه گردشگر، توان بالقوه طبیعی

گردشگری نه تنها دارای پارادایم‌های متفاوت در دوره‌های زمانی گوناگون زیست انسانی است که دارای انواع متفاوت و گسترده‌ای نیز هست. شناخت این پارادایم‌ها، انواع و گونه‌های گردشگری از ابعاد فلسفی، نظری، مدیریت و برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و اجرا از

آرمان خواهی، لذت گرایی (مراتب سطحی و زودگذر تادرات متعالی و مانا)، خلاقیت، خودشکوفایی، از خودبرگذشتن، هویت/تعلق داشتن، تجربه و جهان دیدگی، منش مواجهه با رنج، شیوه‌های آفرینش معنا برای زندگی در نگرش اگزستانسیالیسم است که البته در نوع متعالی آن در «دلدادگی» تجلی می‌کند و به قول بودا باید در رودخانه زندگی غوطه‌ور شد و اجازه داد پرسش درباره معنای زندگی هم به راه خود برود. در این پژوهش باروش پدیدارشناسی تفسیری نشان داده شد که انواع گردشگری که متناسب با انگیزه گردشگر و پارادایم‌های امروزیین گردشگری برگزیده شده‌اند به میزان قابل توجهی می‌توانند در این معنادرمانی سهیم باشند.

در **جدول ۵**، پاسخ سؤالات پژوهش تبیین شده است. سطرهای جدول، انواع گردشگری را با توجه به انگیزه و هدف گردشگر بیان می‌کنند؛ ستون‌های جدول فعالیت‌های معنا بخش به زندگی در فلسفه اصالت وجود (اگزستانسیالیسم) هستند که این دو محور از مطالعات کتابخانه‌ای استخراج شده‌اند. خانه‌های جدول که با نظر اجماع متخصصان تکمیل شده، نشانگر این است که کدام فعالیت‌های «معنادرمانی» در انواع گردشگری تبلور بیشتری دارند و نهایتاً جمع‌های سطرها بیانگر پاسخ به پرسش اصلی پژوهش هستند که نقش و رتبه انواع گردشگری، در معنادرمانی را نشان می‌دهد و جمع ستون‌ها به عنوان نتیجه جانبی^{۱۷} پژوهش نشان می‌دهد که برای دستیابی به هر شیوه معنادرمانی می‌توان از چندین گونه از گردشگری استمداد کرد. **جدول ۵** نشان می‌دهد که «تجربه و جهان دیدگی» بالاترین شیوه معنادرمانی را در انواع گردشگری پوشش می‌دهد و پس از آن «لذت گرایی» و «خودشکوفایی» در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. همچنین بیانگر این است که معنای کیهانی تنها در گردشگری مذهبی به طور خاص بروز و ظهور دارد و در سایر انواع گردشگری الزامی به این معنا نیست. همین نکته در گردشگری درمانی (سلامت) هم وجود دارد. یعنی منش مواجهه با درد و رنج به طور خاص در این نوع گردشگری تبلور پیدامی‌کند. گردشگری عام‌المنفعه در برگیرنده بیشترین شیوه‌های معنادرمانی است و گردشگری دوستان و آشنایان، گردشگری اجتماع محور و گردشگری قومی / عشایری با رتبه یکسان پس از آن قرار دارند.

دستاوردهای این پژوهش با تحقیق شفیعا و صباغ‌پور آذریان (۱۳۹۵) که معنویت را جستن معنا در زندگی دانسته و خودشکوفایی را از مؤلفه‌های گردشگری و معنویت برشمرده است، همسویی دارد. ضمن اینکه این مقاله هم تأکید دارد که معنویت در گردشگری می‌تواند در همه انواع گردشگری جلوه کند و صرفاً معطوف به گردشگری دینی و مذهبی نیست. همچنین مطالعه ایمانی خوشخو و شهرابی فراهانی (۱۳۹۹) که کسب تجربه در سفر را با معنای زندگی پیوند می‌زند هم با نتایج این پژوهش هم‌خوانی دارد. تحقیق نوروزی (۱۳۹۸) صلح، دوستی و اعتماد به غریبه‌ها و افزایش تعداد دوستان را از نتایج گردشگری دانسته و تجربه‌اندوزی را سبب شهامت تغییر و آن را رسیدن به مفهوم زندگی و درمان

و فرهنگی جامعه مقصد و... گونه‌شناسی و دسته‌بندی می‌کنند. البته لازم به ذکر است که این طبقه‌بندی‌های می‌تواند در فرهنگ‌های مختلف متفاوت باشد.

در پژوهش‌ها مقالات و سایت‌های مرتبط با گردشگری که نگارندگان مورد مطالعه قرار داده‌اند^{۱۶}، انواع، گونه‌ها و سبک‌های متعددی برای گردشگری بیان شده که به نظر ضمن هم‌پوشانی‌های بسیاری که با هم دارند، گونه‌های متفاوت و بعضاً نوآورانه‌ای هم در آن‌ها دیده می‌شود.

از آنجا که این مقاله نقش انواع گردشگری در معنا بخشی به زندگی را مورد مطالعه قرار داده است، از بین حدود ۸۰ نوع گردشگری شناسایی شده در منابع مذکور، گونه‌هایی را برگزیده که از یک سو با شاخص هدف و یا انگیزه گردشگر مرتبط بوده و از جمله پارادایم‌ها و سبک‌های نوین گردشگری در دنیای امروز به شمار می‌آیند و از سویی در تعارض کمتر با اصول بنیادین گردشگری یعنی حرکت، فراغت و اقامت محدود هستند. البته در برخی موارد، با توجه به هم‌پوشانی‌های وسیع، تلفیق‌هایی هم صورت گرفته است (**جدول ۳**).

پیشینه پژوهش

در **جدول ۴** دستاوردهای پژوهش‌های پیشین که مفهوم «معنا» و «معنویت» در «گردشگری» را بررسی و تبیین کرده‌اند، به اجمال بیان شده است. شکاف تحقیقاتی قابل مشاهده این است که گرچه تحقیقات انجام شده در این حوزه همگی بر دستاوردهای معنوی سفر متفق‌القولند، اما وجهه معنادرمانی سفر آن‌هم با تأکید بر فلسفه اصالت وجود و اگزستانسیالیسم، تاکنون مورد پژوهش قرار نگرفته است.

یافته‌ها

مطابق روش تحقیق توضیح داده شده در **جدول ۵** اجماع نظر مشارکت کنندگان در خصوص نقش هریک از انواع گردشگری در معنادرمانی اگزستانسیالیسم بیان شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

گرفتاری موجودی متعالی و جویای معنا، در جهانی فاقد معنا برای انسان موقعیت ابزورد و یا پوچ ایجاد می‌کند که با پیشرفت علم و تکنولوژی هم بر شدت آن افزوده می‌شود و بی‌اعتنایی جهان نسبت به ما را عیان‌تر می‌سازد. این در حالی است که مردمان دنیای پیش از صنعت چندان گرفتار مشکل بی‌معنایی نبودند. زیرا اولاً فراگیری دیدگاه مذهبی، در بردارنده پاسخ یقینی بود. ثانیاً گذشتگان آن چنان گرفتار و دل‌مشغول تأمین نیازهای اساسی برای بقا بودند که مجال و بضاعتی برای تأمل در معنا نداشتند. اما امروزه تنها تجربه یک زندگی اصیل می‌تواند از حسرت گذر عمر بکاهد و به آدمی منشی گردن‌فرازانه ارزانی کند تا از بی‌تفاوتی دنیا فراتر رود و بر آن غلبه یابد. اگر معنای کیهانی یا همان باور به یک نظم و نظام برآمده از حکمت که بر کل کائنات حاکم است را کنار بگذاریم، نوع دوستی،

جدول ۳. گونه‌های گردشگری. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	گونه‌های گردشگری	تعریف
۱	گردشگری آهسته (کم‌شتاب)	تمرین یک زندگی در فلسفه آهستگی، خلق تجارب ناب و معتبر و خارج از کلیشه‌های متداول، تعامل با مردم در سطحی عمیق‌تر، رویارویی با غیرمنتظره‌ها، فرصتی برای کشف دوباره «خود»، نوعی رهایی و غرق شدن در مقصد، تجربه مزه کردن به جای حداکثر کردن مصرف.
۲	گردشگری اجتماعی ^{۱۸} (اجتماع محور ^{۱۹})	گردشگری با هدف اجتماعی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و انتقال آن؛ ساکنان محلی محیط و شیوه زندگی خود را با گردشگران شریک می‌شوند؛ تجربه و آموختن سبک زندگی ساکنان محلی؛ مشارکت جامعه محلی در برنامه‌های گردشگری.
۳	گردشگری پزشکی / درمانی / سلامت	سفر به منظور بهبود یا افزایش سلامتی و روحیه با استفاده از آب‌های معدنی، آب و هوا و یا مداخلات پزشکی و جراحی‌های تخصصی یا درمان‌های روانپزشکی و درمان جایگزین در محیطی پر آرامش و تحت نظر پزشک.
۴	گردشگری تاریک، تلخ، سیاه / گردشگری حادثه‌جو	گردشگری به قصد بازدید از محل حوادث و فجایع، گورستان‌ها، گردشگری آثار جنگ / حماسی، بازدید از اماکنی با طعم مرگ و رنج، مناطق حادثه‌دیده و ویران‌شده، بازدید از خرابه‌ها، دیدار از کوه در حال آتشفشان و ...
۵	گردشگری تجربه محور ^{۲۰}	فرایند پویای مشارکت گردشگران در فعالیت‌ها؛ تجربه، اکتشاف، پیدا کردن و غافلگیر شدن. غافلگیری در دنیای کمتر تجربه‌شده، درک تجربه اصیل.
۶	گردشگری خلاق	سفر به قصد تعامل با محیط و مقصد خلاق؛ مردم محلی در نقش آموزگاران مهارت‌های هنری (گردشگری غذا/ موسیقی و رقص/ صنایع دستی/ فیلم/ هنرهای رسانه‌ای/ معماری و طراحی/ شعر و ادبیات).
۷	گردشگری دیدار دوستان و آشنایان	سفر به قصد دیدار دوستان و آشنایان.
۸	گردشگری رویداد	گردشگری به قصد شرکت در رویداد مقصد؛ مراسم ویژه، جشن‌ها و مراسم‌های آیینی ملی، مذهبی و ...
۹	گردشگری سبز ^{۲۱} / طبیعت‌گردی (گردشگری کوهستان/ گردشگری کویر/ گردشگری ساحلی و دریایی / گردشگری آب‌های معدنی و چشمه‌ها / گردشگری شکار و صید)	سفر به مقاصدی که جاذبه اصلی آن طبیعت است؛ طبیعت‌گردی با هدف آرامش، یادگیری، پناه بردن به طبیعت و دور شدن از زندگی روزمره؛ طبیعت‌گردی با هدف زیست‌شناسی، زمین‌شناسی، جغرافیا و حفظ محیط زیست و حیات وحش.
۱۰	گردشگری شهری	بازدید از جاذبه‌های شهری، پارک‌ها و پیاده‌راه‌ها، جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی؛ موزه‌ها، بناهای یادبود، سالن‌های تئاتر، استادیوم‌های ورزشی، شهربازی، مراکز خرید، مناطقی با معماری تاریخی و ...
۱۱	گردشگری عام‌المنفعه/ خیریه	گردشگری داوطلبانه برای کمک به نیازمندان.
۱۲	گردشگری علمی- آموزشی / گردشگری صنعتی	سفر به منظور شرکت در یک کلاس یا دوره آموزشی، همایش‌های علمی، گردهمایی‌ها و اجلاس‌ها؛ بازدید از کارخانه‌ها، معادن، نیروگاه‌ها و ... برای مشاهده فرایندهای تولید.
۱۳	گردشگری فرهنگی	گردشگری به قصد شناخت و درگیر شدن با فرهنگ جامعه میزبان؛ تاریخ، جغرافیا، معماری، سنت‌ها، ادیان، میراث فرهنگی، جشنواره‌ها، غذاها شیوه زندگی و ارزش‌های مقصد.
۱۴	گردشگری فضایی	سفر به کرات و سیارات دیگر.
۱۵	گردشگری قومی / عشایری	گردش در پهنه جغرافیایی و قلمرو زیستی جامعه قومی/ عشایری، دیدن مردم بومی در محیط زیست طبیعی خود، مشاهده سبک زندگی افراد بومی با هدف شناخت اقوام مختلف و شرکت در تجربه‌های آنان، فرصتی عالی برای شناخت و بهره‌گیری از فرهنگ و میراث و طبیعت.
۱۶	گردشگری کشاورزی/ گردشگری مزرعه/ گردشگری باغبانی / گردشگری روستایی	سفر به منظور بازدید از باغ‌ها و باغچه‌های زیبا و مزارع و زمین‌های کشاورزی و مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی به صورت یک روز کار در مزرعه؛ گردشگری در مسیرهای ویژه طبیعت‌گردی، موزه‌های کشاورزی و مردم‌شناسی.
۱۷	گردشگری ماجراجویانه	گردشگری به قصد انجام کارهای هیجانی، پرریسک و ماجراجویانه در مکان‌های خاص.
۱۸	گردشگری مذهبی و زیارتی	سفر برای زیارت اماکن مقدس؛ شرکت در امور مذهبی.
۱۹	گردشگری نوستالژیک	سفر به انگیزه مرور خاطرات گذشته؛ ملاقات و مواجهه با گذشته (مثل بازدید مهاجران از سرزمین مادری).
۲۰	گردشگری ورزشی (گردشگری برف)	گردشگری به قصد ورزش و تمرین، شرکت در مسابقات ورزشی، تماشای مسابقه تیم‌ها یا بازیکنان مورد علاقه، گذراندن اردوهای ورزشی.

ردیف	پژوهشگر	عنوان پژوهش
۱	شفیعا و صباغ پور اذریان (۱۳۹۵)	معنویت را جستجوی معنا در زندگی، رابطه متعالی با خویشتن خویش و معبود، هدایت همه‌جانبه، ایجاد وحدت با طبیعت و اتحاد تعریف می‌کند. معنویت جوهره وجود آدمی است و آدمی را متناسب با طبیعت جستجوگرش به یافتن در زندگی ترغیب می‌کند به عبارتی معنویت را می‌توان نوعی ابزار آگاهی‌بخشی دانست که به صورت ذهنی موجب ایجاد آگاهی در ضمائر افراد می‌شود. رسیدن به تعالی (روحی- جسمی)، رسیدن به معنا (آموزش و پند، تعقل و کاوش) و رسیدن به درک متقابل (اجتماعی، فردی، بین فردی، طبیعی، فراطبیعی) به مثابه ابعاد اصلی مفهوم معنویت در گردشگری شناسایی شد. که زیر مؤلفه‌هایی چون خودشناسی، خودشکوفایی، امنیت، هویت‌یابی، هماهنگی و نظم، کیفیت زندگی، ارتباطات متقابل و ... را در بر می‌گیرد. معنویت در گردشگری می‌تواند در همه انواع گردشگری جلوه کند و صرفاً معطوف به گردشگری دینی و مذهبی نیست. در مطالعات فارسی زبان موضوع معنویت بیشتر به مذهب و دین و در دیگر مطالعات به مباحث سلامتی، آرامش جسم، روش‌های ایجاد تمرکز و ادیان حاضر در مقاصد گردشگری خلاصه شده است. از آنجا که معنویت می‌تواند در همه سطوح زندگی انسان تأثیرات فیزیکی و روانی بلندمدتی داشته باشد، به نظر می‌رسد تعریف آن همچون یک هدف از گردشگری، اقدامی پذیرفته‌شده خواهد بود.
۲	ایمانی خوشخو و شهرابی فراهانی (۱۳۹۹)	الگوی ادراک معنوی گردشگر فرهنگی از سفر تحت تأثیر عوامل درونی و بیرونی از مؤلفه‌های پیش‌فرض گردشگر، حقیقت باطنی، حقیقت ظاهری و کنش گردشگر تشکیل شده است که در حین سفر و دریافت‌های حسی، محیطی و اجتماعی شکل می‌گیرد. نوع ارتباط گردشگر با هستی، نوع پیوستگی که میان خود و هستی درمی‌یابد و در آن به جست‌وجو و کشف معنی می‌پردازد و احساسی که از رموز آفرینش و هستی دارد، این رابطه را تعیین می‌کند. الگوی معنویت و سفر، همان طی طریق شناخت، حقیقت‌جویی و دریافت و آگاهی انسانی است که می‌تواند در زمره ادراک معنوی قرار گیرد و به بهبود و تعالی ادراک معنوی انسانی نیز منجر شود. شناخت و جست‌وجوی معنای زندگی، انسان را در جایگاه یک سیستم تفکر منطقی و هماهنگ و عملگرا به سفر واداشته تا ضمن آگاهی از فرهنگ، تاریخ و پیشینه مردمان، ماهیت وجودی خویش را بیابد، در مسیر کشف و جست‌وجوی هستی گام بردارد و از سفر در راه کسب معرفت و تجربه برای ارتباط با زمین، طبیعت، خالق هستی و یافتن مفهوم و معنای زندگی بهره گیرد.
۳	حسینی (۱۳۹۹)	دستاوردهای معنوی صنعت توریسم: احیای معنویت با اعتلای سطح علمی افراد جامعه به صورت مستقیم (گردشگری علمی) و غیرمستقیم (احیای اقتصاد اسلامی)، اعتلای اخلاق اسلامی در سایه تعامل نیکو براساس آموزه‌های معنوی اسلام بین گردشگر و جامعه معنوی، اعتلای اقتصاد اسلامی به وسیله حل مشکلات اقتصادی برای نوع بشر و ایجاد فراغت بال برای تحصیل امور معنوی، اعتلای سطح عدالت و امنیت به وسیله ژئوپلیتیک گردشگری و ایجاد فضای رقابت میان کشورها در راستای سرمایه‌گذاری در توسعه پایدار گردشگری و ایجاد فضای مناسب برای ترویج معنویت اسلامی و اعتلای فرهنگ و تمدن اسلامی با ارائه صحیح آموزه‌های فرهنگ‌ساز و تمدن‌ساز معنوی به گردشگران. علم و عقلانیت از مؤلفه‌های معنویت هستند؛ اخلاقیات تجلی خارجی معنویات است؛ اقتصاد و مسائل مادی زیربنای تکالیف عبادی و معنوی است؛ عدالت و امنیت فراهم‌کننده فضای لازم برای کسب معنویات و رشد آن است؛ دستاوردهای معنوی بخشی از فرهنگ و تمدن اسلامی است.
۴	نوروزی (۱۳۹۸)	در لحظه زندگی کردن، صلح و دوستی و اعتماد به غریبه‌ها راهبردهایی هستند که پدیده محوری تغییرات روحانی در سفر پر مخاطره را به پیامدهای خدانشناسی، حسنات اخلاقی، افزایش تعداد دوستان و تغییر بینش منتهی می‌سازد. نتایج نشان می‌دهد که گونه گردشگری ارزان و پرمخاطره، دارای مؤلفه‌های معنوی متمایزی است که شناسایی و مدیریت آن‌ها می‌تواند تجربه معنوی را به ارمغان آورد. بیشتر کسانی که از این سبک استفاده می‌کنند (سفر هیچ‌هایک، کوچسرفینگ) دلیل استفاده خود را این‌طور بیان می‌کنند: «دریافتیم که ناگزیرم به ایجاد تغییرات اساسی در زندگی‌ام، چرا که تغییر همیشه شهامت و جسارت می‌طلبد و پاداش این شهامت قطعاً رسیدن به مفهوم زندگی است. بنابراین تصمیم گرفتم تجربیات جدیدی در روزهایم ببخشم و سفر، درمان روح ماجراجوی من بود.»
۵	بسته‌نگار (۱۴۰۰)	معنویت و گردشگری را می‌توان به تمامی تجربیات غیر مادی، عینی-ذهنی و ذهنی ربط داد که به واسطه ژرفاندیشی و تعامل بین فرهنگی یا نزدیکی به عناصر طبیعی فردی یا گروهی حین سفر ایجاد می‌شود. یعنی تجربیاتی که در عین انتقال مفاهیم به فرد باعث تغییرات در بینش و نگرش فرد می‌شود و شانس تبدیل شدن آن‌ها به رفتار را خواهد داد. لذا برخی معنویت را حسی خوب یا تعامل رفتاری مناسب با جامعه، تجربیات ناب و دست اول، به فکر فرورفتن، تعمق در اتفاقات یا خدانشناسی دانسته‌اند. نتایج نشان داد که تمایل به آشنایی با فرهنگ‌های مختلف، خطر کردن و ساده سفر کردن از جمله مواردی است که به واسطه شرایط زندگی بشر امروز به عنوان یک نیاز و یک کمبود توسط گردشگران ریسک‌پذیر شکل عوامل علی را پیدا می‌کند. به بیانی دیگر گردشگران مورد بررسی برای دستیابی به احساسی غیرمادی و متفاوت و با عوامل انگیزاننده ذکر شده اقدام به این گونه از سفرها می‌کنند.
		گردشگری تریپی: نقش توریسم در درمان مهم‌ترین بیماری‌های قرن و عصر مدرن که از آن جمله می‌توان «تنهایی» را نام برد، نادیده گرفته شده. «اروین یالوم» از بنیان‌گذاران روان‌درمانی اگزیستانسیال، بر این باور است که چهار موقعیت وجودی، آدمی را دچار اضطراب‌های بنیادین می‌کند: مرگ، آزادی، تنهایی و پوچی. رهایی از تشویش‌های بنیادین آدمی فقط برای کسی میسر است که به قول هایدگر زندگی اصیلی دارد. او زندگی غیراصیل را مرتبه فراموشی هستی و سرگرم‌افت‌وخیز زندگی بودن می‌داند. گردشگری نظام معرفت‌افزایی و معنابخشی است که می‌تواند اضطراب‌های بنیادین بشر را درمان بخشد. گردشگری ذاتاً درمانگر است؛ آنجا که فرد از روزمره خود بالا می‌کشد، آنجا که فرد را با تقدیر و مسئولیت خود و دیگران مواجه می‌کند و گستره آزادی انسان را نمایش می‌دهد؛ آنجا که هستی و طبیعت را هم سرشت و خانه و خویشاوند آدمی می‌نمایند و فرد را با طبیعت آشتی می‌دهد و بالاخره آنجا که گردشگر با آفرینش لحظات یکتا از تجربه‌های ناب، زندگی را به تمامه می‌زید تا زمینی سوخته برای مرگ به جا بگذارد.

به جا می‌گذارد، یعنی چیزی باقی نمی‌گذارد که مرگ از او بریاید و بدین‌سان معنای زندگی خود را می‌آفریند. بنابراین ملاحظه می‌شود که پژوهش حاضر مؤید و هم‌سوی پژوهش‌های پیشین بوده و تلاش کرده تا گامی به جلو بردارد. دستاوردهای این پژوهش می‌تواند آغازی بر پژوهش‌های میدانی و بین‌رشته‌ای (گردشگری،

روح ماجراجو تعبیر کرده که با نتایج مطالعه حاضر هم‌گراست. در مطالعه بسته‌نگار (۱۴۰۰) هم صراحتاً به گردشگری تریپی توجه شده و تأکید شده که گردشگری نظام معرفت‌افزایی و معنابخشی است و قابلیت آن را دارد که اضطراب‌های بنیادین آدمی را درمان بخشد و گردشگر با خلق تجارب ناب، زمین سوخته برای مرگ

جدول ۵. انواع گردشگری در تناظر با معنای زندگی در دیدگاه اصالت وجود. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	معنای زندگی / انواع گردشگری	معنای کیهانی	نوع دوستی	آرمان خواهی	لذت‌گرایی	خلاقیات	خودشکوفایی	از خود برگذشتن	هویت - تعلق	تجربه	منش رنج	دلدادگی	جمع
۱	گردشگری آهسته (کم‌شتاب)	*			*	*	*			*		*	۵
۲	گردشگری اجتماعی / اجتماع‌محور		*		*	*	*	*		*		*	۷
۳	گردشگری پزشکی / درمانی / سلامت									*			۱
۴	گردشگری تاریک، تلخ، سیاه / گردشگری حادثه‌جو			*				*	*	*			۴
۵	گردشگری تجربه‌محور			*	*	*	*			*		*	۵
۶	گردشگری خلاق			*	*	*	*			*		*	۵
۷	گردشگری دیدار دوستان و آشنایان		*	*	*	*	*	*	*	*		*	۷
۸	گردشگری رویداد		*	*		*	*	*	*	*			۵
۹	گردشگری سبز / طبیعت‌گردی (گردشگری کوهستان / گردشگری کویر / گردشگری ساحلی و دریایی / گردشگری آب‌های معدنی و چشمه‌ها / گردشگری شکار و صید)			*	*	*	*	*	*	*		*	۵
۱۰	گردشگری شهری			*	*	*	*			*			۳
۱۱	گردشگری عام‌المنفعه / حیریه		*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۸
۱۲	گردشگری علمی - آموزشی / گردشگری صنعتی			*	*	*	*			*			۲
۱۳	گردشگری فرهنگی			*	*	*	*			*			۴
۱۴	گردشگری فضایی			*	*	*	*	*	*	*		*	۶
۱۵	گردشگری قومی / عشایری		*	*	*	*	*	*	*	*		*	۷
۱۶	گردشگری کشاورزی / گردشگری مزرعه / گردشگری باغبانی / گردشگری روستایی			*	*	*	*			*		*	۵
۱۷	گردشگری ماجراجویانه			*	*	*	*			*		*	۵
۱۸	گردشگری مذهبی و زیارتی	*		*	*	*	*			*		*	۶
۱۹	گردشگری نوستالژیک			*	*	*	*			*			۳
۲۰	گردشگری ورزشی (گردشگری برف)			*	*	*	*			*		*	۶
جمع		۱	۵	۸	۱۵	۱۰	۱۴	۵	۷	۱۹	۴	۱۱	۹۹

فلسفه، روان‌درمانی) بوده و الهام‌بخش دانش‌آموختگان فلسفه و روان‌درمانگران باشد. همچنین بر مبنای نتایج این تحقیق می‌توان از گردشگران مختلف در مقاصد مختلف و با انگیزه‌های مختلف، با انجام تست‌های مرتبط قبل و بعد از سفر، میزان معنایابی و حس رضایت و امید به زندگی را اندازه‌گیری و با هم مقایسه کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. [albez kamy] (۱۹۱۳) Salvatore R. Maddi. ۲. Absurd. ۳. آلبر کامو (فرانسوی: ۱۹۶۰- نویسنده، فیلسوف و روزنامه‌نگار فرانسوی برنده جایزه ادبی نوبل؛ یکی از نویسندگان بزرگ قرن بیستم و خالق کتاب مشهور بیگانه.
۴. ویکتور امیل فرانکل (به آلمانی: Viktor Frankl) (۱۹۰۵ - ۱۹۹۷) روان‌پزشک و عصب‌شناس اتریشی و پدیدآورنده معنادرمانی (لوگوتراپی). ۵. Benjamin Wolman (۱۹۰۸ - ۲۰۰۰) روان‌شناس و نویسنده آمریکایی. ۶. ژان-پل شارل ایماز سارتر (به فرانسوی: Jean-Paul Charles Aymard Sartre) (۱۹۰۵ - ۱۹۸۰) فیلسوف اگزیستانسیالیست، رمان‌نویس، نمایش‌نامه‌نویس و منتقد فرانسوی. ۷. اروین دیوید یالوم (به انگلیسی: Irvin David Yalom) (متولد ۱۹۳۱)، روان‌پزشک هستی‌گرا و نویسنده آمریکایی. ۸. ویلیام جیمز دورانت (به انگلیسی: William James Durant) (۱۸۸۵ - ۱۹۸۱)، فیلسوف، تاریخ‌نگار و نویسنده آمریکایی. ۹. Hédonisme. ۱۰. فریدریش ویلهلم نیچه (به آلمانی: Friedrich Wilhelm Nietzsche) (۱۸۴۴-۱۹۰۰) فیلسوف، شاعر، منتقد فرهنگی، جامعه‌شناس، آهنگساز و فیلولوژیست کلاسیک بزرگ آلمانی که آثارش تأثیری عمیق بر فلسفه غرب و تاریخ اندیشه مدرن بر جای گذاشته است. ۱۱. Self actualization. ۱۲. ابراهام هرولد مزلو (به انگلیسی: Abraham Harold Maslow) (۱۹۰۸-۱۹۷۰) پدر روان‌شناسی انسان‌گرایانه؛ روان‌شناس آمریکایی. او امروزه برای نظریه «سلسله‌مراتب نیازهای انسانی» (هرم مزلو) شناخته شده است. ۱۳. Self transcendence. ۱۴. Paul Guillaume André Gide (۱۸۶۹-۱۹۵۱) نویسنده فرانسوی و برنده جایزه ادبی نوبل در سال ۱۹۴۷. ۱۵. engagement. ۱۶. لطفی خاچکی، ۱۳۸۷؛ فرجی‌راد و آقاجانی، ۱۳۸۸؛ قادری، ۱۳۸۳؛ فرجی‌راد، پریشان و یاری حصار، ۱۳۹۶؛ زارع اشکذری، سقایی، موسوی و مختاری ملک آبادی، ۱۳۹۳؛ سیف‌الدینی، رهنمایی و فرهودی، ۱۳۹۳؛ حاتمی‌نژاد و شریفی، ۱۳۹۴؛ میرواحدی و اسفندیاری بیات، ۱۳۹۵؛ زرغام بروجنی و بذرافشان، ۱۳۹۵؛ بیات و خزائی‌پول، ۱۳۹۵؛ عزتی، معیتی و مرتضایی، ۱۳۹۶؛ بستنکار، حسنی و خاکزار بفرویی، ۱۳۹۶؛ تولایی، سلیمانی، جهانی دولت آباد و جهانی دولت آباد، ۱۳۹۶؛ شفیعی، رجب‌زاده قطری، حسن‌زاده و جهانیان، ۱۳۹۹؛ مظفری، پورمحمدی و عزت‌پناه، ۱۳۹۹؛ بستنکار، ۱۳۹۹؛ تاجپور، ۱۳۹۶؛ معرفی انواع مختلف گردشگری، بی. تا؛ آشنایی با انواع مختلف گردشگری در دنیا، بی. تا؛ ۱۳ طبقه‌بندی انواع توریست‌ها، بی. تا؛ انواع گردشگری در جهان، بی. تا؛ انواع گردشگری، بی. تا؛ Timms & Conway, 2012; Alaeddinoglu, 2012; Hesam & Baghiani, 2018; Amirfakhriyan & Moeini, 2018; Can, 2011; Vakil Alroaia, 2020 Eftekari, Imani Tayyebi, & Farhadi Uonaki, 2020; ; Rezvani, Nickravesh & Kazemi, 2021 Socialtourism. ۱۸. By Product. ۱۷. Ecotourism. ۱۹. Community Based Tourism. ۲۰. Experience-Based Tourism.

فهرست منابع

- ۱۳ طبقه‌بندی انواع توریست‌ها، (بی. تا). تاریخ مراجعه: ۱۴۰۰/۴/۱. قابل دسترس در: <https://www.alefbatour.com>.
- انواع گردشگری در جهان، (بی. تا). تاریخ مراجعه: ۱۴۰۰/۴/۱. قابل دسترس در: <http://www.tourismportals.ir/14029>.
- انواع گردشگری، (بی. تا). تاریخ مراجعه: ۱۴۰۰/۰۳/۳۰. قابل دسترس در: <https://ista.ir/pages/fa/text/80>
- ایمانی خوشخو، محمدحسین و شهرابی فراهانی، مهدیه، (۱۳۹۹). ارائه الگوی ادراک معنوی گردشگر فرهنگی از سفر، مطالعه موردی: گردشگران فرهنگی خارجی شهر اصفهان. گردشگری و توسعه، ۲۹ (۲)، ۲۱۱-۲۲۸.
- آشنایی با انواع مختلف گردشگری در دنیا، (بی. تا). تاریخ مراجعه: ۱۴۰۰/۰۳/۳۰. قابل دسترس در: <https://hamgardi.com/fa/Post>.
- بستنکار، مهرنوش. (۱۳۹۹). گردشگری کم‌شتاب در ساخت فلسفه

آهستگی. گردشگری و فرهنگ، ۱ (۱)، ۳۷-۴۴.

- بستنکار، مهرنوش. (۱۴۰۰). گردشگری تریبی را دریابیم. نظر آنلاین (مطالعات راهبردی پژوهشکده نظر). تاریخ مراجعه: ۱۴۰۰/۴/۱. قابل دسترس در: <https://nazaronline.ir>.
- بستنکار، مهرنوش؛ حسنی، علی و خاکزار بفرویی، مرتضی. (۱۳۹۶). طراحی مدل مفهومی گردشگری خلاق. گردشگری و توسعه، ۳ (۱۱)، ۸۱-۱۰۸.
- بیات، سوده و خزائی پول، مرتضی. (۱۳۹۵). ارزش‌های ادراکی گردشگران روستای کوبیری مصر به عنوان گردشگری جامعه محور. اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۵ (۴)، ۶۵-۸۱.
- پروری، پیمان. (۱۳۹۸). خوانشی نو از روش پدیدارشناسی؛ بنیان‌های فلسفی، رویکردها و چارچوب اجرای تحقیق پدیدارشناسی. مطالعات جامعه‌شناسی، ۱۲ (۴۴)، ۸۷-۱۰۶.
- تاجپور، نادره. (۱۳۹۶). انواع گردشگری و اشتغال وابسته به آن‌ها، سازمان توسعه تجارت ایران. تاریخ مراجعه: ۱۴۰۰/۴/۱. قابل دسترس در: https://tpo.ir/uploads/1/2020/Oct/24/service_kindoftourism%20_Services_96.pdf
- تولایی، سیمین؛ سلیمانی، محمد؛ جهانی دولت آباد، رحمان و جهانی دولت آباد، اسماعیل. (۱۳۹۶). نقش مشارکت جوامع محلی در صنعت گردشگری پایدار مورد مطالعه سریعین. پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ۴۹ (۱)، ۹۵-۱۱۳.
- حاتمی‌نژاد، حسین و شریفی، امیر. (۱۳۹۴). بررسی نقش گسترش گردشگری شهری بر توسعه پایدار شهری نمونه موردی: شهر سنندج. گردشگری شهری، ۲ (۱)، ۶۱-۷۸.
- حسینی، فهیمه السادات. (۱۳۹۹). دستاوردهای معنوی صنعت توریسم. مطالعات دین‌پژوهی، ۴ (۸)، ۱۰۹-۱۳۳.
- زارع اشکذری، سیدمحمد؛ سقایی، محسن؛ موسوی، میرنجم و مختاری ملک آبادی، رضا. (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری فرهنگی با رویکرد جذب گردشگران خارجی در ایران مرکزی مورد شناسایی: شهر یزد. جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای، ۱۷ (۱۷)، ۱۸۹-۲۰۸.
- سیف‌الدینی، فرانک؛ رهنمایی، محمدتقی و فرهودی، رحمت‌اله. (۱۳۹۳). روش‌شناسی مطالعات منظر شهری در گردشگری. برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، ۳ (۸)، ۳۱-۵۲.
- شفیعی، سعید و صباغ‌پور آذریان، مهدیه. (۱۳۹۵). تبیین مفهوم معنویت در گردشگری با استفاده از تحلیل محتوا. مطالعات مدیریت گردشگری، ۱۱ (۳۵)، ۱۰۷-۱۲۷.
- شفیعی، ساناز؛ رجب‌زاده قطری، علی؛ حسن‌زاده، علیرضا و جهانیان، سعید. (۱۳۹۹). مقاصد گردشگری هوشمند: مرور سیستماتیک تحقیقات با استفاده از رویکرد کیف پارادایم. مطالعات مدیریت گردشگری، ۱۵ (۴۹)، ۳۳-۶۲.
- زرغام بروجنی، حمید و بذرافشان، شیمیا. (۱۳۹۵). میزان موفقیت توسعه گردشگری جامعه‌محور روستایی از دید جامعه محلی مطالعه موردی: روستای آسیاب‌سر، شهرستان بهشهر. پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۵ (۴)، ۱۱۹-۱۳۶.
- عزتی، عزت‌اله؛ معیتی، جواد و مرتضایی، شیدا. (۱۳۹۶). تجزیه تحلیل و برنامه‌ریزی طرح جامع گردشگری با تأکید بر اکوتوریسم و منظر شهری با ارائه الگویی راهبردی و امنیتی در آستارا. نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۰ (۱)، ۱۹۷-۲۲۰.
- فرجی‌راد، خدر؛ پریشان، مجید و یاری حصار، ارسطو. (۱۳۹۶). تحلیل چالش‌های توسعه گردشگری تجاری در شهر مرزی بانه از دیدگاه تسهیلات و زیرساخت‌های گردشگری. گردشگری شهری، ۴ (۲)، ۱-۱۵.

clusters of tourist villages and its relationship with the formation of population centers in Khorasan Razavi Province. *Journal of Research & Rural Planning*, 6(4), 165-182.

- Eftekari, A. R., Imani Tayyebi, L. & Farhadi Uonaki, M. (2021). The Influential Factors in Experience-Based Tourism in Nomadic Areas (Case Study: Qashqai Tribes). *Journal of Rural Research*, 11(4), 712-727.
- Hesam, M., & Baghiani, H. (2018). Assessing the attitude of villagers towards the implementation of community based rural tourism (Case Study: Gurab Pas, Fuman county, Guilan province). *Journal of Rural Research*, 9(1), 72- 87.
- Maddi, S. R. (2013). *Creating Meaning rough Making Decisions*. New York: Routledge.
- Rezvani, M., Nickravesh, F. & Kazemi, N. (2021). Spatial zoning of agricultural tourism capabilities in Rural area of lorestan province. *Geography and Sustainability of Environment*, (38), 93-112.
- Timms, B. F. & Conway, D. (2012). Slow tourism at the Caribbean's geographical margins. *Tourism Geographies*, 14(3), 396-418.
- Vakil Alroaia, Y., Zolfaghari, Z. & Sotoudeh, M. R. (2020). Culinary Tourism Development Based on Marketing Mix Strategy: The Case of Khorasan Razavi Province. *Iranian Journal of Economic Studies*, 8(2), 397-419.

- فرجی‌راد، عبدالرضا و آقاجانی، سمیه (۱۳۸۸). تحلیلی نو پیرامون گردشگری و جدیدترین طبقه‌بندی آن. *جغرافیایی سرزمین*، ۶ (۲۳)، ۶۱-۷۲.
- قادری، زاهد (۱۳۸۳). *اصول برنامه‌ریزی توسعه پایدار گردشگری روستایی*. تهران: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور
- لطفی‌خاچی، بهنام (۱۳۸۷). گردشگری به مثابه یک صنعت. *راهبرد*، ۱ (۲)، ۱۷۱-۲۰۶.
- مظفری، جلال؛ پورمحمدی، محمدرضا و عزت‌پناه، بختیار (۱۳۹۹). امکان‌سنجی گردشگری سلامت در کلان شهر تبریز. *جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)*، ۱۰ (۲)، ۸۹۷-۹۱۶.
- معرفی انواع مختلف گردشگری. (بی. تا). تاریخ مراجعه: ۱۴۰۰/۴/۱. قابل دسترس در: <https://www.eligasht.com/Blog>.
- میرواحدی، سیدسعید و اسفندیاری بیات، الهام (۱۳۹۵). بررسی پتانسیل کارآفرینی گردشگری فرهنگی در جامعه عشایر قشقایی ایران. *گردشگری و توسعه*، ۵ (۹)، ۶۲-۷۸.
- نوروزی، سارا (۱۳۹۸). تبیین الگوی منظر معنوی از سفر ارزان قیمت؛ بررسی موردی گردشگران هیئتچایک زن و مرد. *هنر و تمدن شرق*، ۷ (۲۳)، ۳۹-۴۸.
- یالوم، د. اروین (۱۳۹۰). *روان‌درمانگری اگزستانسیالی (ترجمه سپیده حبیب)*. تهران: نی.
- Alaeddinoglu, F. & Can, A. S. (2011). Identification and classification of nature-based tourism resources: Western Lake Van basin, Turkey. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, (19), 198-207.
- Amirfakhriyan, M. & Moeini, A. (2018). Distribution of spatial

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله: بسته‌نگار، مهرنوش و قمری، رضوان (۱۴۰۱). گردشگری و معنادرمانی در فلسفه اگزستانسیالیسم. *باغ نظر*، ۱۹ (۱۱۲)، ۱۰۳-۱۱۲.

DOI:10.22034/BAGH.2022.326033.5105
URL:http://www.bagh-sj.com/article_151086.html

